

آینه



سرمقاله: «آقای روحانی همان یک احمدی‌نژاد برایمان کافی است!»؛ فضل‌الله یاری

تردیدی نیست مسایل و مشکلات برجای‌مانده از هشت‌سال ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، که هرروز گوشه تازمای از آن نمایان می‌شود، آقندر زیاد است که هر مقام‌مسئول متعددی را نگران می‌کند. اما هیچ‌کدام دلیلی موجه به‌شمار نمی‌رود که در میان مواضع مستدل، منطقی و اصولی دکتر حسن روحانی کلمانی از جنس ادبیات احمدی‌نژاد وجود داشته باشد.. آقای رئیس‌جمهور راه ناهموار و درازی پیش رو دارید؛ سعی کنید همان حسن روحانی باشید، زیرا همان یک محمود احمدی‌نژاد برای ما کافی است!

انتظار

یادداشت: «مردم انتظار نداشتند»؛ ابراهیم نکو
مردم انتظار نداشتند رئیس‌جمهوری که اینقدر زبینه‌ده صحبت می‌کردند امروز طوری سخن بگویند که به موضوعی تبدیل شود که بتواند به زیان وی تمام شود. درست است که مخالفان تند برخورد می‌کنند اما در برابر این تندیی نباید تندیی نشان داد تا رویکرد افراد را نسبت به خودمان تغییر دهیم.

سرمقاله

سرمقاله: «در مقام صبر»؛ مهران کرمی

روحانی با شعار و منش اعتدالی و نشان‌دادن کلید تدبیر توانست از مردمی‌رای بگیرد که از ادبیات شعاری و سیاست ماجراجویانه دولت قبلی خسته شده بودند و به‌دنبال کسی بودند که به‌جای ادعای مدیریت جهان و شاخ‌وشله‌کشیدن برای رقیبان داخلی و دورکردن دوستان و همسایگان از ایران، راه تعامل با جهان و جریان‌های سیاسی در داخل را پیش گیرد.

جم‌وی اسلامی

روحانی تصحیح کند

بخشی از سخنان دیروز رئیس‌جمهور روحانی- به‌دلیل آنکه خارج از چارچوب اعتدال بود مورد انتقاد رسانه‌ها قرار گرفت- انتظار این است که رئیس‌جمهور روحانی این اشتباه را تصحیح و از این پس نیز به ادبیات فاخر اعتدال پایبندی نشان دهند.

کیم‌تان

تیتیر یک: «روحانی با دعوت منتقدان به جهنم از گفت‌مان اعتدال رونمایی کرد»

رئیس‌جمهور با ادبیاتی عجیب- و در اظهاراتی قابل‌تأمل، منتقدان را مورد خطاب قرار داد- و اکثراً ها به این عبارات روحانی چنان بود که ساینر رسمی ریاست‌جمهوری از چندصاعست دست به جرح‌نعدیل این سخنان زده و دعوت منتقدان «به جهنم» توسط روحانی را احذف کرد!

سرمقاله: «از کجا به بعد نمی‌شود گفت به جهنم؟! محمد ایمانی

آقای روحانی را باید فهمید. هم از آن جهت که بار سنگینی بر دوش دولت اوست و نیاز به یاری دارد؛ و هم از آن رو که برخی محاسبات استراتژیک وی نسبت با گرگ‌های جهان درست از آب درنیده‌اند است. در عین حال این درک و دریافت نیز باید در دولت پدیدآید که شأن دولت، پاسخگویی با عذرآوری و اصلاح‌روند طی شده است نه خفایه‌های تبلیغاتی ابلاغی‌آمیز یا رجزخوانی‌های پیش‌انتخابی.

دعوت کردن

سرمقاله: «منافع ملی را بیچسبید!»؛ حسین قزیدانی
به دور است، هم از ادب حکمرانی، هم از آداب حکمرانی که به‌جای ساختار تجریم-فی‌الواقع لژه بر ساختار منافع ملی بیندازیم، مکرر در مکرر بلرزاینم نفع ملت را، مکرر کنیم ملت را بعد فرمایش کنیم؛ «به جهنم! بروند جایی که گرم باشد، نلرزند». این آیا ادبیات دولتمردی است؟! آن وقت چطور قسم جلاله می‌خورند که: «والله بالله تالله نه دوره قبل باز نمی‌گردیم؟! اینکه شد همان، بلکه بدتر از آن!

مهسا جزینی: آیا نسل نخست اصلاح‌طلبان بازنشسته می‌شوند؟ این بحثی است که در هفته‌های گذشته باب آن با سخنی از «سید محمد خاتمی» باز شد. رئیس‌جمهوری پیشین ایران گفته بود ما نسلی بودیم که دیگر نباید به قدرت بازگردیم. خیلی‌ها تفسیر به‌رای کردند و گفتند منظور خاتمی شخص خودش بوده و این اعلام رسمی بازنشستگی سیاسی‌اش بوده است. برخی هم دامنه آن را گسترده‌تر کردند و گفتند مقصود از این سخنان یک نسل از اصلاح‌طلبان بوده‌اند. به‌سراغ «محمدرضا تاجیک»، مشاور رئیس‌جمهوری دوران اصلاحات و رئیس پیشین «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری» رفتیم و پرسش‌هایمان را با او در میان گذاشتیم.

✎ اخیراً مباحثی مبنی بر بازنشستگی نسلی از اصلاح‌طلبان و روی کار آمدن نسل جدید اصلاح‌طلبی مطرح شده است. آغاز آن هم به سخنان چندی قبل آقای خاتمی

بازمی‌گردد که گفته‌اند ما نسلی هستیم که دیگر نباید به قدرت بازگردیم، یا به اعتقاد شما معنای گفته ایشان خروج و خداحافظی کامل اصلاح‌طلبان یا حداقل بخشی از آنها با قدرت و کنش سیاسی به عرصه عمومی است؟ تمامی ساحت‌های جامعه، عرصه کنش سیاسی و اعمال قدرت و مقاومت هستند. با این بیان می‌خواهم بگویم بیرون از سیاست و بیرون از قدرت ممکن نیست و اگر بگوییم که ما را با سیاست و قدرت کاری نیست، روی‌دور گزاه می‌دهد کاری هست. می‌دانیم ادبیات سیاسی، به‌ویژه ادبیات سیاسی حرف‌های معمولاً زیادت و تافتی پیچیده و سرشار از قیاس‌های منفی، کنایه‌ها، استعاره‌ها، مجازها، تشابه‌ها، ایهام‌ها، ایهام‌ها، انکارها و تصدیق‌هاست. قیاس منفی، تمهیدی است برای اشاره به یک موضوع از طریق گفتن اینکه به آن اشاره نخواهی کرد. برای مثال، «من تحت هیچ شرایطی خود را درگیر بحث پیرامون خیانت وزیر نخواهم کرد» به این ترتیب، قیاس منفی بیانگر نوعی خفنه در یک گفت‌مان است. شما با گفتن اینکه فلان چیز را نخواهید گفت، خطوط کلی چیزی را که نخواهید گفت ترسیم می‌کنید. این، به‌عبارتی، مرزها یا افق گفتار شما را ترسیم می‌کند. و این یعنی، آماده‌کردن کلام از رهگذر گفتن آنچه یک سیاستمدار نباید بگوید. این، شبیه آن شیوای است که در میانه قرن نوزدهم، نویسندگان، از جمله شاعر فرانسوی، بودلر از طریق آن استفاده از جن آمیزی synaesthesia را آغاز کرد. جن آمیزی، عبارت است از توصیف یک حس با واژگانی که به حسی دیگر تعلق دارد، مثل «من رنگ آبی را می‌شنوم»، یا چیزها را با صدای بلند می‌بینم» گاهی در عالم سیاست به سخن سیاست‌ورزان باید از این منظر نگاه کرد. البته نمی‌خواهم بگویم که آقای خاتمی نیز از نوعی انکار قتیضیستی بهره برده‌اند، اما می‌خواهم به دلالت‌های قتیضیستی سخن ایشان اشاره کنم و بگویم: آقای خاتمی با این بیان خود تصویری از سیاست امروز این مرزوبوم به دست می‌دهند که جایی برای امثال او نیست.

✎ به‌جز ایشان از افرادی مانند آقای عارف هم شنیده می‌شود که نیاز است نسل دوم اصلاح‌طلب روی کار بیایند. این ایده، تا چه اندازه میان اصلاح‌طلبان فراگیر است یا شده و آیا اجماعی روی آن وجود دارد؟

این سخن بسیار هوشمندانه و مسوولانه است. در این سخن، رموز و تداوم و بالندگی اصلاحات نهفته است. ضرب‌المثلی می‌گوید: «ماهگیری وقتی دارد و خشک‌کردن تور وقت دیگری» اما خشک‌کردن تور لازمه امر ماهگیری است. برای نسلی از اصلاح‌طلبان اکنون وقت خشک‌کردن و ترمیم‌کردن تور سیاسی است، اما در همین «وقته» و «وقفه» نیز نباید امر ماهگیری تعطیل شود، بلکه این وظیفه باید به نسل بعدی واگذار شود. متأسفانه صاحبان این ایده در جریان اصلاح‌طلبی محدود به اصلاح‌طلبان اصیلی است که بیش و پیش از آنکه دلمشغول تداوم خود باشند، دغدغه تداوم جریان اصلاحات را دارند و نیک و واقفند که صرفاً در پرتو چرخش نخیکان و تربیت کردن و میدان‌دادن به نسل‌های آتی است که استمرار و بالندگی یک جنبش یا جریان اجتماعی-

سیاست

محمدرضا تاجیک در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

خاتمی؛ رهبر مشترک نسل اول و دوم اصلاح‌طلبان



سیاسی تضمین می‌شود.

✎ آیا شرایط و محدودیت‌ها برای فعالیت سیاسی نیروهای شاخص اصلاح‌طلب باعث شده که به چنین تدبیری برسند؟ یا الزامات دیگر؟

همواره گفت‌عام با برگی که در دست نیست، نمی‌توان بازی کرد، همان‌طور در مکان و زمان و فضایی که در اختیار نیست، نمی‌توان حضور یافت. اما عدم امکان و فرصت بازیگری در صحنه تئاتر سیاسی، لزوماً به‌معنای ایفا نقش تماشاگر منفعل نیست. بنابراین اساساً از آن سخن خاتمی و اینن گفته عارف احساس نوعی انفعال نمی‌کنم. مطمئناً امثال این بزرگواران حتی در موقعیت و وضعیت تحمیلی یک تماشاگر، نقش «تماشاگر فعال»، یا به تعبیر راسنیر، «تماشاگر-بازیگر» را ایفا خواهند کرد. ضرب‌المثل روسی می‌گوید: «هر که چاقوی بزرگی در دست دارد، لزوماً آشپز ماهری نیست». از همین منظر می‌توان گفت دسترسی به امکانات مطلوب لزوماً ضامن موفقیت نیست. موفقیت همواره از آن کسانی است که می‌دانند چگونه از هیچ‌چیز چیزی بسازند، چگونه از هزارتوهای طلقت‌سوز سیاست عبور کنند و چگونه امر اجتماعی را امر فرهنگی، امر هنری، امر معرفتی -و- را ادامه سیاست به بیان دیگر قرار دهند.

✎ آیا می‌توان گفت یک بن‌بست سیاسی برای فعالیت نسل نخست اصلاح‌طلبی ایجاد شده که حداکثر توانشان به تهییج و تجمیم نیروهای اجتماعی برای شرکت در یک انتخابات گسترده می‌رسد و از این فراتر نمی‌رود؟ نخست، باید بدانیم امر اجتماعی، امر سیاسی است، بنابراین توانش و کنش تهییج و تجمیم نیروهای اجتماعی همان توانش و کنش سیاسی است. دوم، حتماً حکایت آن اسب پیر را شنیده‌اید که صاحبش می‌خواست از شرش خلاص شود و آن را در چاه بی‌آب خانه انداخت تا با یک تیر دوشان بزند (هم چاه را پر کند و هم شرب اسب را کم کند). اما اسب از عامل مرگ خود (خاک) عملی برای حیات خود ساخت (با زیر پا قراردادن خاک و بالاآمدن از چاه) و تهدید را تبدیل به فرصت کرد. امروز، بسیاری از اصلاح‌طلبان به تجربه و دانش آموخته‌اند که باید همه تلاش خود را به کار بندند تا در لحظه از نفس‌افتادن دوباره به نقطه پرشکوه خود بازگردند و با تصرف و مستعمره‌کردن مجدد عرصه عمومی و مکان و فضای اجتماعی، در قاب و قالب آلترناتیوی بلامنزاع در صحنه سیاسی جامعه حضور داشته باشند.

فضای سیاسی، کالایی هندسی نیست که بتوان آن را به کسی هدیه داد یا از او دریغ داشت. فضای سیاسی محصولی اجتماعی است و تولید می‌شود. فضای سیاسی را سوزنه‌هایی تجربه می‌کنند که با همدیگر تعامل و تصادم دارند و روابط

میان خود را تولید و بازتولید می‌کنند. فضای سیاسی همان جایی است که در آن چیزی رخ می‌دهد: عشق، پیکار، انقلاب، سیاست، مقاومت و... در یک کلام، فضای سیاسی در بنیادی‌ترین حد خود با توانایی و قدرت سوزنه‌های جمعی برای شناختن، خلق کردن، پیمودن، از آن خودساختن و مهار کردن فضا در جهت اهداف خودش سروکار دارد. پس، فضای سیاسی امروز اصلاح‌طلبان محصول اراده و روابط آگاهانه آنهاست و چیزی نیست که توسط گروهی دیگر به آنان هدیه یا از آنان بازپس گرفته شود. امروز اصلاح‌طلبان خواسته یا ناخواسته در فرآیند تجربه

«سیاستی از نوع دیگر» قرار گرفته‌اند: سیاستی که خود خالق فضا و شیوه‌ها و روش‌های آن هستند؛ سیاستی در تبعید که از هیچ‌کجا و در عین حال در همه‌کجا شکل می‌گیرد و اعمال می‌شود. من این شرایط را برای اصلاح‌طلبان یک فرصت می‌دانم و نه یک تهدید. **✎** آیا تجربه یک‌ساله اخیر و اینکه اصلاح‌طلبان انتظار داشتند حداقلی گشایش برای فعالیت و حضور دوباره آنان در عرصه سیاسی فراهم شود و

نشد، باعث نشده که اصلاح‌طلبان به این نتیجه برسند که باید نسل جدید برای ادامه آرمان‌های اصلاح‌طلبانه روی کار بیاید؟ تصور نمی‌کنم. اصلاح‌طلبان نشان دادند که اگر سر کار نیستند، از استعداد و امکان سر کارگذاشتن و سر کارنگه‌داشتن دیگران برخوردارند.

✎ در این صورت آیا نسل دوم باورمند به ایده‌های اصلاح‌طلبی تربیت‌شده وجود دارد؟ بسیاری معتقدند که نسل دوم اصلاح‌طلب، به معنای تشکیلاتی و اعتقادی، تربیت نشده‌است.

یکی از ضعف‌های جدی اصلاح‌طلبان در همین نکته نهفته است. اصلاح‌طلبان طی این سال‌ها از تربیت‌کادر غفلت کردند و برنامه اندیشیده و تدوین‌شده‌ای برای انتقال دانش و تجربه نسل گذشته به نسل جدید نداشتند. بنابراین، نسل دوم اصلاح‌طلبی را بیشتر نسلی خودجوش و خودرو و «خودتاکیدگر» می‌دانم تا در‌س آموختگان و تربیت‌شدگان و مکتب اصلاح‌طلبی. اما با وجود این کوتاهی و غفلت نسل اول اصلاح‌طلبان، نسل دوم، اگرچه به لحاظ تشکیلاتی، اما به لحاظ پایبندی به اصول اعتقادی اصلاح‌طلبی، کم‌اکنون کشتوک نظری و عملی این جنبش را بر دوش می‌کشد.

✎ نسل نخست اصلاح‌طلبان از نیروهای انقلابی گذشته با آرمان‌ها و باورهای ویژه خود بودند. نسل دوم احتمالاً در این تجربه با نسل نخست شریک نیستند به‌منظر شما چه چیزی آنها را هم پیوند می‌دهد؟

یک گام به‌پیش‌نهان نسل گذشته و یک گام به‌پس‌گذارن نسل جدید، جغرافیای مشترکی را برای جمع و جمعیت‌ماندگی این دو نسل اصلاح‌طلب، شکل داده

است. در این جغرافیای مشترک، هر دو نسل را بر سر آموزه‌هایی همچون: فعالیت‌های مدنی، سیاست اخلاقی، توزیع قدرت، حکمرانی خوب، مردم‌سالاری، تساهل و تسامح نظری و عملی، عدالت اجتماعی و سیاسی، قانون‌مداری، مدارای سیاسی، رفاه اقتصادی، پاکدستی اقتصادی، گشودگی فرهنگی و قومسی و... نوعی اجماع دارند. افزون بر این، استراتژی هر دو نسل ناظر بر تغییر از درون و مبتنی بر سازوکارهای قانونی» و پرهیز از رادیکالیسم و پوپولیسم و آنتاگونیسم است. بی‌تردید، حضور دگر مشترک، از یک سو و رهبری مشترک (شخص آقای خاتمی) از سوی دیگر، نیز بر تداوم و استمرار این پیوست و پیوند افزوده است.

✎ اگر قرار باشد تفاوت‌های بین نسل نخست و دوم اصلاح‌طلبی را برشماریم این تفاوت چه خواهد بود و همین‌طور شباهت‌ها؟

اما اگر بخواهم تصویری از جغرافیای متمایز گفت‌مانی میان این‌دو نسل ارائه کنم، صرفاً می‌توانم به دل‌آشوبه‌ها، تقاضاها، آرمان‌ها و آمال‌های جدید و تا حدودی متفاوت این نسل، فاصله انتقادی (در پارای سطوح و موارد) نسل جدید از نسل قدیم و نیز به منظر و نظر نسبتاً متفاوت نسل کنونی به امر سیاسی، سوزنه سیاسی، امر اجتماعی، امر دینی، سوزنه اصلاح‌طلبی، سوزنه مقاومت و... اشاره کنم.

✎ برخی معتقدند که اصلاح‌طلبی به موقعیت است نه به اشخاص و افراد. در این صورت، در شرایط فعلی آن امکان کنش سیاسی برای افراد منسوب به جریان اصلاح‌طلبی به معنای واقعی وجود ندارد شاید بتوان گفت که مثلاً فردی مانند علی مطهری - در مواردی خاص - یک اصلاح‌طلب تلقی می‌شود. بـا این گزاره تاجه‌حقوقید؟

اگرچه ماایلم جریان اصلاح‌طلبی جریانی مستقل از افراد باشد، اما می‌دانم تا تحقق این «میل» فاصله بسیار است. نسل کنونی اصلاح‌طلبان باید دخیل خود را از افراد بگشاید و در مسیر چنین استقلالی گام بردارد. اما آن گشودن‌ورفتن، ضرورتاً به‌معنای عبور از سابقون و بزرگان نیست. همواره گفته‌ام که باید یأس‌های جریان اصلاح‌طلبی را یاس بدریم، لکن در آنها متوقف نشویم و از آنها بت بسازیم و پیرامون آنها هاله قدسی نکشیم. اما در پاسخ به قسمت دوم پرسش شما، می‌توانم بگویم که اصلاح‌طلبی، باوجود سقف‌گونی و فراگیری آن، در تحلیل نهایی یک گفت‌مان با میدان گفت‌مانیت و حریم و حرمت گفت‌مانی خاص خود و دارای خوشه توصیفاتی متفاوت از سایر جریان‌ها و گفت‌مان‌های سیاسی است. لذا ضمن به‌رسمیت‌شناختن هویت‌های متکثر و متمایز و ضمن شنیدن صداهای مختلف، دارای نوعی فاصله انتقادی و فاصله گفت‌مانی با آنان نیز هست.

✎ آیا این نسل برای اینکه بتواند حضور سیاسی، اجتماعی خود را به ثبت برساند باید به‌دنبال ایجاد تشکیلات حزبی و سازوکار جداگانه و جدید برای سهم‌آفرینی در عرصه سیاسی باشد آن هم بدون اتصال به شناسنامه حزبی نسل قبل؟

به نظر من، اتصال گفت‌مانی مهم‌تر از اتصال تشکیلاتی و رابطه «بین‌الذهانی» مهم‌تر از رابطه «بین‌البدانی» است. جریان اصلاح‌طلبی بیش و پیش از اینکه یک حزب و سازمان باشد، یک جنبش است و بیش و پیش از آنکه یک زنجیره هم‌هویتی و هم‌هرمی باشد، یک زنجیره تفاوت‌ها و تمایزهاست. بنابراین، نمی‌توان حضورهای متکثر و متفاوت اصلاح‌طلبی را صرفاً در قاب و قالب حزبی محدود و محصور کرد. به بیان دیگر، حضور سیاسی - اجتماعی نسل جدید اصلاح‌طلبان حزب را عرصه‌ای بسیار تنگ و باریک برای مکاتمند و هویت‌مندشدن خودش می‌داند و از هر بومی برای نقاشی نقش حضور بهره می‌برد. در این شرایط، نسل گذشته برای هویت‌یابی خود بیشتر نیازمند نوعی اتصال به شناسنامه نسل جدید است تا برعکس. نواصل‌طلبی دقیقاً تنوریزه‌کردن چنین «نیاز» و چنین «اتصال»ی است.

ادامه از صفحه ۵

ضرورت اجماع ملی علیه خشکسالی

کانال نیکارآگونه، تحقیق یک رویا

۱۶ تیر ۱۳۹۳ دانیال اورنگا، رئیس‌جمهور چپگرای نیکارآگونه قرارداد ساخت یک کانال کشتیرانی را با ولنگ جینگ، مدیر شرکت سرمایه‌گذاری چینی به امضا رساند. بر اساس این قرارداد کانالی به طول ۲۷۸ کیلومتر دو اقیانوس اطلس و آرام را از طریق خاک نیکارآگونه متصل می‌کنند که قابلیت عبور کشتی‌های عظیم باربری را خواهد داشت. این کانال در آینده رقیب کانال پاناما خواهد شد که ظرفیت محدودی برای عبور کشتی‌های باربری دارد. هزینه ساخت این کانال ۴۰ میلیارد دلار است که تماماً به‌وسیله فاینانس بین‌المللی توسط بانک‌ها و سرمایه‌گذاران کشورهای مختلف از جمله چین و آمریکا تأمین خواهد شد. قرار است عملیات ساخت‌مانی این پروژه در آذرماه ۱۳۹۳ آغاز شده و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۳۹۷ به بهره‌برداری برسد.

دغدغه‌های محیط‌یستی

تابه‌حال هر موقع صحبت از طرحی به‌منظور تبدیل کوبرهای ایران به دریاچه با انتقال آب دریاهای آزاد و دریای مازندران به دیگر مناطق ایران و کوبر مطرح شده عددهای به مخالفت با آن برخاسته و اجرای آن را مضر برای محیط‌زیست می‌دانند. استدلال این گروه بر این منطق استوار است که انتقال آب از حوزهای به حوزه دیگر دستکاری در نظام هیدرولوژیکی طبیعت است و نباید اجرا شود. مدیران و کارمندان سازمان محیط‌زیست کشور نیز اغلب جزو همین دسته هستند. انتقال آب از یک حوزه به حوزه دیگر در تمام طول تاریخ تمدن بشر جریان داشته است. هزاران کیلومتر قنات‌های ایران که آب بسترهای زیرزمینی را از نقتلای به نقطه دیگر منتقل می‌کردند نمونه گویای این قبیل طرح‌های عمرانی است. قنات‌ها علاوه بر انتقال آب باعث رونق کشاورزی و صنعت در بسیاری از شهرهای ایران شدند که بدون آب متروک می‌شدند. هم‌اکنون ۷۰ درصد آب مصرفی کلاشهر لس‌آنجلس از طریق سه کانال مختلف از مناطقی واقع در ۴۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتری این شهر تأمین می‌شود و همین موضوع باعث شگوفایی شهر لس‌آنجلس شده‌گرنه جمعیت ۱۲ میلیون‌ی این کلاشهر سال‌ها قبل با مشکل کمبود آب مواجه می‌شد بودند.

وظیفه کارشناسان و دانشمندان محیط‌زیست یافتن راهکارهای مناسب برای کاستن از آثار و صدمات پیش‌بینی‌شده تغییرات هیدرولوژیکی در مناطق آبرسانی است. کسلی که با این قبیل طرح‌ها مخالفت می‌کنند خوب است دلایل مستند علمی خود را که توسط موسسات معتبر علمی و پژوهشی تهیه و تأیید شده ارائه دهند تا مورد نقد قرار گیرد. اغلب مخالفت‌ها بیش از آنکه دارای پشتوانه علمی باشد متکی بر برداشت‌های شخصی و دیدگاه‌های سلیقه‌ای است.

آیا این واقعیت که هوای ایران همواره به‌سمت گرم‌شدن است غیرقابل انکار است؟

آیا این واقعیت که بارندگی در ایران کاهش یافته و بسیاری از رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و بستر آب‌های زیرزمینی خشک شده یا در حال خشک‌شدن هستند غیرقابل انکار هستند؟

آیا این واقعیت که کوبرهای ایران در حال پیشروی بوده و مناطق مرکزی و جنوب شرقی کشور به مرور خالی از سکنه می‌شوند غیرقابل انکار است؟

آیا این واقعیت که کوبرهای ایران در گذشته دریاچه بودند غیرقابل انکار است؟

پس چه اشکالی در بازگرداندن آب به کوبرهای ایران وجود دارد و حتی در بدترین حالت، چه چیزی از دست می‌رود؟

پرش جسورانه

جامعه و اقتصاد ایران نیازمند تنشسی عظیم و یک پرش جسورانه است تا شکوفا شده و تمامی ظرفیت‌های خود را آشکار و بهره‌رود کند. اهمیت تأمین آب ایران در قرن بیست‌ویکم بیش از اهمیت ملی‌کردن نفت در قرن بیستم است. اینک صدقی لازم است که حول این موضوع اجماع ملی ایجاد کرده و عظیم‌ترین پروژه آبیاری و آبادانی ایران را محقق کند. * **عضو هیات علمی دانشگاه اباتانی کالیفرنیا**

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شماره مناقصه (۹۳-۹)

شرکت گاز استان قزوین

شرکت گاز استان قزوین در نظر دارد

مناقصه زیر را با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه مربوطه به شرکت ذیصلاح واگذار نماید.

موضوع مناقصه: انجام عملیات نصب حدود ۲۲۳۸۵ دستگاه کنتور G4الی G100 و حدود ۷۰۴۰ دستگاه رگولاتور ۵ متر مکعبی الی ۱۶۰ متر مکعبی.

محل ارائه خدمات و مدت اجرای موضوع مناقصه: در سطح شهرستانهای قزوین، البرز، آبیک و بوئین زهرا، به مدت ۳۶۵ روز تقویمی.

مبنای بر آورد: کارشناسی.

نوع ضمانتنامه: (ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد)

مبلغ ضمانتنامه: ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

محل در یافت اسناد مناقصه: طبقه سوم دستگاه مناقصه گزار- اتاق ۳۱۵

زمان و مهلت در یافت اسناد مناقصه: پس از انتشار آگهی نوبت اول به مدت ۷(هفت) روز.

محل تحویل اسناد مناقصه: طبقه همکف دستگاه مناقصه گزار- دبیر خانه (اتاق ۱۱-۶)

مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه: حداکثر ۱۱ (یازده) روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه.

از شر کتهای واجد صلاحیت دعوت می شود جهت دریافت اطلاعات بیشتر مناقصه گران به نشانی اینترنتی شرکت به آدرس: www.nigc-qazvin.ir و یا پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به آدرس: http://iets.mporg.ir مراجعه نمایند. در ضمن زمان باز گشایی پاکات مناقصه در تاریخ ۰۹/۰۶/۱۳۹۳ می باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان قزوین

شرکت پتروشیمی بیستون

شماره مجوز ۲۲۱۷۸۱

تعوینش مولکولارسیو واحد ۳۰۰

۱- نام و نشانی مناقصه گزار :

شرکت پتروشیمی بیستون .کرمانشاه کیلومتر ۸ جاده بیستون مجتمع پتروشیمی بیستون (LAB) ، امور پیمان ها تلفن : ۳۴۷۳۳۷۷۶ – ۰۸۳

۲- نوع ، کمیت و کیفیت کار :

تخلیه ملکولارسیو مستعمل برجهای جذب A/B ۳۰۱ بمیزان حدود ۱۵۰تن ، تمیزکاری برج و سپس بارگیری ملکولارسیو به همین میزان و تکمیل اتصالات برجها جهت راه اندازی واحد .

۳- تضمین شرکت در مناقصه :

مبلغ ۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ (دویست و پنجاه میلیون) ریال بصورت واریز نقدی یا ضمانتنامه بانکی میباشد .

۴- محل ، زمان و مهلت دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد ها :

الف- محل دریافت اسناد :

۱ – تهران ، خیابان شیخ بهایی شمالی ، پلاک ۱۴۴ ، ساختمان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ، طبقه ۸ غربی ، شرکت پتروشیمی بیستون.

۲ – کرمانشاه کیلومتر ۸ جاده بیستون شرکت پتروشیمی بیستون (LAB) ، امور پیمان ها . تلفن : ۳۴۷۳۳۷۷۶ – ۰۸۳

ب- زمان و مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۹۳/۰۵/۲۵ لغایت ۹۳/۰۵/۲۷ .

ج- زمان تحویل پیشنهادها: تا پایان وقت اداری مورخ ۰۸/۰۶/۹۳ به آدرس مناقصه گزار.

۵- مدارک مورد نیاز که باید در پاکت (ب) ضمیمه گردند : (الزامی)

الف : اسناد و مدارک شرکت شامل آگهی تاسیس ، آخرین تغییرات و روزنامه رسمی .

ب : تصویر قرارداد مرتبط با موضوع مناقصه با یکی از شرکت های نفت ، گاز و پتروشیمی (یک مورد) .

شرکت هایی که آمادگی انجام موضوع مناقصه را دارند می توانند جهت خرید اسناد مناقصه ، تقاضای کتبی خود را همراه فیش بانکی به مبلغ یکصد هزار ریال(غیر قابل استرداد) به حساب جام بانک ملت شماره ۶۵۴۷۲۰۲۹/۹۶ به نام پتروشیمی بیستون ارائه و به نشانی مناقصه گزار مراجعه نمایند .

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بیستون